به مناسبت بزرگداشت عطار نیشابوری

همه عالم پر از آثار جان اسـت
ولی جان از همه ی عالم نهانست

تو سیمرغی ولیکن در حجابی
تو خورشیدی ولیکن در نقابی

ز کوه قاف جسمانی گذر کن
بدار الملک روحانی سفر کن

فریدالدین محمد بن ابراهیم بن اسحاق کدکنی مشهور به فریدالدین محمد عطار نیشابوری نام آشنای هر ادب‌دوست و فرهنگ‌دوست فارسی‌زبان و فارسی‌دان است. اما با این وجود چنانگه شفیعی کدکنی، هم‌زادگاه او می‌گوید زندگی عطار، در میان بزرگان فرهنگ ایران، ناشناخته‌ترین زندگی است؛ زیرا از جزئیات زندگی شخصی او تقریبا هیچ اطلاعی در دست نیست. وقتی افسانه‌ها را - که حاصل تخیل مردمان قرن‌ها بعد از وفات اوست - به یک سوی نهیم، جز نام خودش و نام پدرش و نام زادگاهش و طبعا محل دفن او چیزی دیگری باقی نمی‌ماند؛ در صورتی که از سنایی - که یک قرن پیش‌تر از او می‌زیسته - نکته‌های بسیاری می‌دانیم که درباره عطار عشری از آن را هم می‌دانیم. نه سال تولد او به درستي روشن است و نه حتا سال وفات او. اين‌قدر مي‌دانيم كه او در نيمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن است. نه استادان او، نه معاصرانش و نه سلسله مشايخ او در تصوف، هيچ كدام، به قطع روشن نيست. از سفرهاي احتمالي او هيچ آگاهي نداريم و از زندگي شخصي و فردي او و زن و فرزند و پدر و مادر و خويشان او هم اطلاع قطعي وجود ندارد. ر اين باب هر چه گفته شده است، غالبا احتمالات و افسانه‌ها بوده است و شايد همين پوشيده ماندن در ابر ابهام، خود يكي از دلايل تبلور شخصيت او باشد كه مثل قديسان عالم در فاصله حقيقت و رؤيا و افسانه و واقعيت در نوسان باشد. آنچه از زندگی‌نامه عطار تقریبا مسلم است این است که اول، نام وی فریدالدین محمد است و نام پدرش ابراهیم و نام جدش اسحاق. دومريال وی از اهالی نیشابور بزرگ بوده است و در رَبْعِ شامات و ولایت رُخ و دِهِ کدکن زاده شده است و در شادباخ نیشابور او را به خاک سپرده‌اند که هم‌اینک مزارش در آنجا زیارتگاه است. سوم، وی مرید شیخ جمال‌الدین محمد بن محمدِ نُغَندَریِ طوسی معروف به «امام الرَّبّانی» بوده است. او در وصف جایگاه شعر عطار در ادبیات فارسی می‌گوید شعر عطار نماينده يكي از مراحل تكامل شعر عرفاني ايران است. وقتي از دور به اين دريا ـ كه يك ساحل آن را نخستين تجربه‌هاي شعر زهد و اخلاق شاعران مذهب كرامي، در عصر ساماني، تشكيل مي‌دهد و يك ساحل ديگر را در زماني نزديك به عصر ما، تجربه‌هاي امثال هاتف اصفهاني و حبيب خراساني ـ مي‌نگريم، سه موج عمومي، سه خيزاب بلند در آن ديده مي‌شود: قله يكي از اين خيزاب‌ها سنايي است و قله دومين خيزاب، فريدالدين عطار است و سومين كوه‌موج و قله، كه بلندترين آن‌هاست، جلال‌الدين مولوي است. بعد از او هر چه هست، موج‌ها و موجك‌ها است و حتا مي‌توان گفت كه دريا نيز ديگر دريا نيست، درياچه است و غدير و آبگير و در مواردي حوض و پاشوره. سنایی و عطار و مولانا سه اقليم پهناور‌، سه كهكشان مستقل‌اند كه فضاي بي‌كرانه شعر عرفاني فارسي‌، و بي‌اغراق‌، شعر جهان را احاطه مي‌كنند و در ضمن كمال استقلال، سخت به يكديگر وابسته‌اند و يكديگر را تكميل مي‌كنند. ﺍﺯ ﻣﻮﻻﻧﺎ ﻧﻘﻞ ﺷﺪﻩ ﻛﻪ ﻋﻄﺎﺭ ﺭﻭﺡ ﻋﺮﻓﺎﻥ ﺍﺳﺖ، ﺁﻧ‌ﭽﻨﺎﻥ ﻛﻪ ﺳﻨﺎﻳﻲ ﺩﻭ ﭼﺸﻢ ﺁﻥ.

بسیاری همچون شفیعی کدکنی بر این باورند که غزل عطار، یکی از مهم‌ترین مراحل تکامل غزل عرفانی فارسی است، یعنی اگر دیوان شمس تبریزی را نادیده بگیریم، غزلیات عطار مهم‌ترین نمونه‌های غزل عرفانی فارسی است. در بسیاری از این غزل‌ها نوعی سرگذشت یا واقعه تصویر می‌شود و چه بسیار از این غزل‌ها که جوهر زندگینامۀ یک عارف است که تحولی روحی به ناگهان او را دگرگون کرده است و این نمونه‌ها را در بخش غزل‌های قلندری عطار، فراوان می‌توان دید.

از آثار نامی و بزرگ عطار میتوان از *منطق‌الطیر نام برد که* شاید بعد از مثنوی مولوی هیچ اثری در ادبیات منظوم عرفان در جهان اسلام به پای این منظومه نرسد. این منظومه به لطیف‌ترین بیان ممکن از رابطۀ خلق و دشواریهای راه سلوک سخن گفته است. *اسرارنامه* عطار نیز منظومه‌ای است مشتمل بر حکایات کوتاه عرفانی که در چندباب تدوین شده است. *مصیبت‌نامه* نیز از برجسته‌ترین آثار عطار است و شاید پس از منطق‌الطیر مهمترین اثر او باشد و کمال و بلوغ فکر و تنوع اندیشه در آن نمایان است و ظاهراً به لحاظ تاریخی نیز آخرین اثر عطار است. *دیوان غزلیات و قصاید* عطار نیز از همان قرن هفتم هجری مورد توجه دوستداران شعر فارسی بوده است. *مختارنامه* مجموعه رباعیات عطار است. او خود در اواخر عمرش حدود دوهزار و سیصد رباعی خود را در پنجاه باب تدوین کرده است*.* اما اثر کم نظیری که تاریخ ادبیات با افتخار آن را در خود جای داده است تذکره‌الاولیاء اوست که بدون تردید در ادبیات منثور مقام بی‌نظیری دارد و نه در فارسی و نه در عربی هم‌ترازی ندارد. تذکره الاولیاء از مهم ترین منابع عرفانی فارسی در شرح احوال و سخنان مشایخ صوفیه است.

عشق و عرفان، ‌نو آوری دربیان عارفانه،‌ صمیمت و یك رنگی و روایت دردهای اجتماعی برخی از وی‍ژگی های این شاعر بزرگ است. شخصیتی که تحولی شگرف در عرفان اسلامی پدید آورده است. برخی درباره عطار گفته‌اند که این شاعر برجسته نخستین شاعری است كه از ادبیات تمثیلی و رمزگونه در شعر بهره گرفت، بنابراین می توان از وی به عنوان بنیانگذار ادبیات نمادین در جهان نام برد؛ این نوع ادبیات در اروپا در سده 19 و 20 میلادی شكل گرفت، در حالیكه «منطق الطیر» عطار شاخص ترین اثر در ادبیات نمادین است كه در سده 13 میلادی نگاشته شد.

نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که عطار در یكی از تـلخ ترین دوره های تاریخی زندگی می كرد. وجود قحطی و خشكسالی های مداوم، وضعیت نـامناسب اقتصادی، فرقه گرایی مذهبی- اجتماعی و وجود دسته بندی ها و جانبداری های محلی، نیشابور را ویران كرده بود. در آن زمان از یك طرف حكومت های غیر ایرانی در ایران مسلط بودند و از طرف دیگر فضای بسته خرافی و پر از جهل و تعصب بر كشور حاكم بود. می توان گفت عطار در 2 زنـدان رنج می برد، یكی زندان تن؛ دامی شیطانی كه روح او را در خود زندانی كرده و او را از آن اصل الهی و روحانی دور ساخته بود و دیگری زندان ریا و زهدفروشی كه بسیار او را آزار می داد و می كوشید این فضای رنج آور را در آثارش به تصویر كشد. عطار برای رهایی از زندان نخست، همانند بسیاری از اهل عرفان، مرگ پیش از مرگ(قطع تعلق دنیوی در عین زنده بودن) را پیش می گیرد و برای رهایی از زندان دوم، خرابات را درمانگر می داند: «ما ترك مقامات و كرامات گرفتیم/در دیر مغان راه خرابات گرفتیم/پی بر پی رندان خرابات نهادیم/ترك سخن عادت و طامات گرفتیم». از همین رو است كه «عشق» در منظومه اندیشه وی بنیان تمامی باورها و سخنان او، حرف عشق و خرابات و در نهایت معرفت به حق می شود.

دردهای اجتماعی تاریخ ایران در آثار فریدالدین عطار نیشابوری انعكاس یافته است. حیات عطار از واقعه حمله غُزها شروع شده و با حمله مغول خاتمه می‌یابد كه در آن زمان كتابخانه‌های نیشابور را به آتش كشیدند عشق و ایمان در اشعار عطار موج می زند. عطار دارو و درمانی را كه برای جامعه خود پیچید، همان عشق و ایمان است لذا عشق و ایمان در آثار او موج می‌زند.